

رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری

مهرداد کریمی مشاور*

چکیده

هدف اصلی از این مقاله معرفی رویکردهای متفاوت در زیبایی‌شناسی شهری و شیوه‌های متفاوت انجام آن می‌باشد. روش انجام تحقیق در این نوشتار براساس روش تحلیلی و مقایسه تطبیقی نظرات مختلف در حوزه زیبایی‌شناسی شهری و تکنیک‌های انجام آن است. براساس مطالعات صورت گرفته، در این تحقیق زیبایی‌شناسی شهری براساس چهار رویکرد عمده کالبدی، روان‌شناسانه، کارشناسانه و مردم‌محور مورد بررسی قرار گرفت که متناسب با هر کدام از این رویکردها، روش‌های مختلف انجام آنها نیز ارایه می‌شود. رویکرد کالبدی و کارشناسانه که به لحاظ ماهیتی تا حد زیادی شبیه هم هستند در میان شیوه‌های مدیریتی رایج بوده و می‌توان آنها را برای تبدیل ویژگی‌های فیزیکی مناظر شهری به پارامترهای طراحی به کار برد. رویکرد روان‌شناسانه و مردم‌محور را که نیز به لحاظ ماهیتی همانند هم هستند و در پروژه‌های تحقیقاتی پایه رواج دارند را می‌توان در درک دیدگاه‌های مردم نسبت به مسایل زیباشناختی به کار برد و از نتایج آنها در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی شهر کمک جست. روش‌های ارزیابی مربوط به این چهار رویکرد در دو دسته عمده روش‌های کارشناس‌محور (شامل فهرست‌های توصیفی، فهرست‌های غیر کمی و فهرست‌های کمی) و روش‌های مردم‌محور (شامل روش‌های غیر کمی، کمی و روش مؤلفه‌ای) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس روش‌های ذکر شده برای انجام ارزیابی‌های زیباشناسانه، فنون ارزیابی و ابزار آن نیز ارایه شده است. در بخش مربوط به فنون و ابزار ارزیابی، مطالعات گسترده‌ای در مورد تحقیقات انجام گرفته در مورد مسائل زیباشناسی شهری انجام شده است و فونونی که در این تحقیقات استفاده شده است، به صورتی منظم دسته‌بندی شده است. فنون مورد اشاره در این مقاله به طور کلی شامل فنون مستقیم و فنون غیر مستقیم در ارزیابی‌هاست که متناسب با رویکردهای چهارگانه ذکر شده در این نوشتار می‌باشند.

این مقاله به طور کلی، چارچوبی را جهت انجام پژوهش‌های بعدی که قرار است در مورد مباحث زیباشناسی در شهر انجام گیرد را مورد حمایت قرار می‌دهد و به محققان کمک می‌نماید تا رویکرد و روشی درست را در انجام تحقیقاتی از این دست را به انجام برسانند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد جهت انجام بررسی‌های زیبایی‌شناسی شهری نیاز است که رویکردهای مردم‌محور و روان‌شناسانه به عنوان بستر اصلی در زیبایی‌شناسی و رویکردهای کالبدی و کارشناس‌محور به عنوان مکمل رویکردهای مردم‌محور و روان‌شناسانه مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

زیبایی‌شناسی شهری، رویکرد کالبدی، رویکرد روان‌شناسانه، رویکرد کارشناس‌محور، رویکرد مردم‌محور.

*. دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان. ۰۹۱۲۶۰۵۹۱۳۸
mkmshaver@yahoo.com

مقدمه

که زیبایی‌شناسی دارای دو وظیفه مشخص است وی در بیان این موضوع مثال زیر را ارائه می‌کند (لنگ، ۱۳۸۱):
 "این وظیفه زیبایی‌شناسی است که به شما نشان دهد (اگر قبلاً نمی‌دانستید) که مزه و رنگ یک هلو زیبا و دلپذیر است و ثابت کند (اگر اثبات‌پذیر باشد و شما کنجکاوی دانستن آن را داشته باشید) که چرا این‌گونه است".

در رابطه با حدود و موضوع علم زیبایی‌شناسی «جان لنگ» (۱۳۸۱) معتقد است که وظیفه این علم را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: ۱- تشخیص و درک عواملی که در ادراک یک شیء یا یک فرآیند تجربی زیبا یا حداقل خوشایند نقش دارند ۲- درک توانایی انسان برای ابداع جلوه‌هایی است که از نظر زیبایی‌شناسی خوشایند به حساب می‌آیند.

همان‌طوری که مشاهده شد می‌توان گفت زیبایی هم در صورت و هم در ذهن است. زیبایی‌شناسی دارای طیف گسترده‌ای است که بخش عمده‌ای از آن مربوط به مباحث معنایی و نشانه‌ای است. در ادامه، این نوشتار سعی دارد براساس تعاریفی که برای زیبایی‌شناسی در طول تاریخ ارائه شده، به چستی زیبایی‌شناسی شهری و همچنین روش‌های انجام آن بپردازد.

سؤال تحقیق

زیبایی‌شناسی شهری براساس چه رویکردهایی و به چه روش‌هایی قابل انجام است؟

زیبایی‌شناسی شهری

بررسی مفهوم زیبایی‌شناسی مشخص کرد که این مفهوم به طور کل از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است. هدف این نوشتار نیز که بررسی مفهوم زیبایی‌شناسی شهری است از این قاعده مستثنی نیست. از یک طرف کالبد شهر مطرح است و از طرف دیگر ذهنیت شهروندان.

اما زیبایی‌شناسی در مباحث مرتبط با شهر از دیدگاه‌های دیگری نیز قابل بررسی است. همان‌طور که اشاره شد یکی از آنها تقابل دو رویکرد عینی و ذهنی به این موضوع است. سایر رویکردهای طرح شده در این حوزه نیز به گونه‌ای جدل میان مباحث عینی و ذهنی است اما چون به طور اختصاصی در حوزه شهر مورد استفاده قرار می‌گیرند در این نوشتار نیز براساس واژه‌های رایج در ادبیات متون علمی به آنها اشاره می‌شود (Nohl, 2001; Chen, et. al., 2009; Junker & Buchecker, 2008)

آنچه در ادامه به عنوان چهار رویکرد در زیبایی‌شناسی شهری اشاره می‌شود، مواردی است که در ادبیات متون در رابطه با زیبایی‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است:

- زیباشناسی کالبدی^۱
- زیباشناسی روان‌شناسانه^۲
- زیبایی‌شناسی کارشناس محور^۳

اولین کسی که به زیبایی‌شناسی به طور غیر مستقیم اشاره کرده «افلاطون» است. از نظر وی نظمی مابعدالطبیعی و اخلاقی بر جهان حاکم است که فیلسوف باید آن را از طریق تفکر عقلانی کشف کند و هنر هنگامی ارزش حقیقی دارد که این نظم را دقیقاً نشان دهد یا به ما کمک کند که در جریان آن قرار بگیریم (کلی، ۱۳۸۳).

در زمان «ارسطو» برای اولین بار واژه زیبایی‌شناسی تا حدی شبیه به معنای امروزی آن مورد استفاده قرار گرفت؛ در این دوره واژه زیبایی‌شناسی به صورت aesthesis به کار برده می‌شد. این واژه هم بر احساس و هم بر ادراک حسی دلالت می‌کرده و به طور کلی ادراک از طریق حواس، معنا می‌داده است. در واقع ادراک حسی واژه‌ای است که در آن دوران در برابر دریافت عقلانی قرار داشته است. این نوع نگاه به اشیا شامل تقسیم‌بندی آنها به دو نوع ادراک حسی و دریافت عقلانی است (کالینسن، ۱۳۸۸).

بعد از ارسطو تا قرون وسطی اتفاق مهمی در رابطه با مفهوم زیبایی‌شناسی نیافتاد. اما در این دوران مفاهیم ملموس‌تری از این واژه ارائه شد. برای بررسی مفهوم زیبایی‌شناسی در قرون وسطی به ناچار باید به بررسی اندیشه‌های دو تن از چهره‌های این دوره پرداخت: «اگوستین» و «آکوناس».

اگوستین متعلق به دوره متقدم کلیسا و آکوناس چهره شاخص دوران قرون وسطی است. تعبیر اگوستین از زیبایی‌شناسی بیشتر نمادین بود. آنچه در این نگاه به زیبایی‌شناسی مطرح است این است که زیبایی پدیده‌های طبیعی متأثر از زیبایی خداوند است (مارگولیس، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳).

آکوناس معیارهای مشخص‌تری برای زیبایی‌شناسی ارائه می‌کند، وی زیبایی را مستلزم تحقق سه شرط می‌داند:

- تمامیت (یکپارچگی) یا کمال شیء (زیرا آنچه ناقص است لاجرم زشت است)
- تناسب یا هماهنگی
- وضوح (از این رو می‌گویند اشیا به رنگ روشن و پرتالو دارند زیبا هستند)

دوره بعدی با عنوان تجربه‌گرایی شناخته می‌شود که «هاچیسون» و «هیوم» صاحب‌نظران اصلی این دوره هستند. هاچیسون اعلام کرد که منشأ لذت از زیبایی هم در خود شیء، هم در وجود ماست (شلی، ۱۳۸۵: ۳۴).

«هیوم» این نوع نگاه را گسترش بیشتری داد و دو مرحله ادراک و عاطفی را تفکیک کرد. مرحله ادراک، که از آن طریق کیفیات اشیا را درک می‌کنیم و مرحله عاطفی، که از طریق آن احساسات از بخش زیبایی، یا احساسات نامطلوب و زشتی را که از ادراک حاصل شده است، در می‌یابیم (همان: ۳۵ - ۷).

«جان راسکین» در تعریفی ساده از زیبایی‌شناسی، معتقد است

• زیباشناسی مردم محور^۴

این رویکردها در تقابل با یکدیگر شکل گرفته‌اند و هر کدام از آنها نقاط مشترک زیادی با سایر رویکردها دارد. در واقع می‌توان گفت این چهار رویکرد در ذیل رویکرد عینی و ذهنی قابل بررسی است. بر همین اساس می‌توان تقابل این چهار رویکرد زیباشناسانه را در جدول زیر و زیرمجموعه‌ای از رویکردهای ذهنی و عینی مورد بررسی قرار داد (جدول ۱).

جدول ۱. تقابل رویکردهای متفاوت در زیبایی‌شناسی شهری. مأخذ: نگارنده.
Table 1. Comparison of different approaches in urban aesthetics.
Source: author.

تقابل رویکردهای متفاوت زیبایی‌شناسی در منظر شهری	
زیباشناسی ذهنی (subjective aesthetic)	زیباشناسی عینی (objective aesthetic)
زیباشناسی روان‌شناسانه (psychological aesthetic)	زیباشناسی کالبدی (physical aesthetic)
زیباشناسی مردم محور (public preferences)	زیباشناسی کارشناس محور (expert aesthetic)

زیباشناسی کالبدی و روان‌شناسانه

«لوتیان» تحقیق جامعی از پیش‌زمینه فلسفی و تاریخیچه رقابت مدل‌های زیبایی‌شناسی عینی و ذهنی انجام داده است. براساس توضیح عینی کیفیت زیباشناختی، زیبایی باید در ویژگی‌های آن چیز یافت شود. براساس توضیح ذهنی، کانون زیباشناسی در ذهن انسان است (دید نظاره‌گر). هم اکنون بعد از چندین قرن مباحثه، به نظر می‌رسد توضیح ذهنی تا حدود زیادی در فلسفه مدرن موفق شده است. راه حل معقول (و معمول) مجادله عینی - ذهنی در ارزیابی کیفیت

زیباشناختی اذعان بر این دارد که کیفیت هم بر مشخصه‌های اشیا و هم به فرآیندهای تجربی - ادراکی در مشاهده‌گر انسانی وابسته است. یعنی کیفیت زیباشناختی، محصول مشترک مشخصه‌های (قابل رؤیت) است که با فرآیندهای روان‌شناختی مربوطه (ادراکی، شناختی و هیجانی) در مشاهده‌گر انسانی تعامل دارند. در رابطه با عینیت و ذهنیت، «لوتیان» در تحقیقاتی که به انجام رسانده است ویژگی هر کدام از این نگرش‌ها را در قالب پارادایم‌های کالبدی و روان‌شناسانه به صورت زیر شرح می‌دهد (Lothian, 1999):

- پارادایم کالبدی :

- زیبایی یک ویژگی فیزیکی ذاتی است.
- ارزیابی آن توسط معیارهای کاربردی ممکن است.
- ذهنیت در عینیت ارایه شده است.

- پارادایم روان‌شناسانه :

- زیبایی از چشمان بیننده سرچشمه می‌گیرد.
- ارزیابی توسط معیارهای روان‌شناسانه انجام می‌شود.
- ارزیابی عینیت از طریق ذهنیت است.

او در ادامه معتقد است که پارادایم کالبدی براساس بررسی‌های فیزیکی اشیا تشریح می‌شود و پارادایم روان‌شناسانه براساس ترجیح‌ها و پاسخگوها و از طریق راه‌حل‌های آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نهایت «لوتیان» چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پارادایم کالبدی یک ارزیابی عمل‌گرا از کالبد مناظر است که اغلب در مدیریت مناظر شهری به کار می‌رود و پارادایم روان‌شناسانه با هدف درک پاسخگویان و به عنوان ابزاری برای تشخیص عواملی کلیدی

جدول ۲. تقابل پارادایم کالبدی و روان‌شناسانه در زیبایی‌شناسی. مأخذ: Lothian, 1999.

Table 2. Comparison of physical and psychological aesthetic paradigm. Source: Lothian, 1999.

پارادایم کالبدی زیبایی : کیفیت درونی منظر	پارادایم روان‌شناسانه زیبایی : کیفیت در چشم بیننده
۱- به طور کلی فاقد چارچوب تئوریک است.	۱- اغلب از یک چارچوب نظری مشتق می‌شود.
۲- اغلب برای اهداف مدیریتی در جستجوی ویژگی‌های کالبدی است.	۲- در جستجوی ترجیح انسان‌ها است برای فهم اجزاء کالبدی که در منظر مشارکت دارند.
۳- در کیفیت مناظر بر اساس انگاشت‌های درونی (منظر) تفاوت قابل می‌شود.	۳- در کیفیت مناظر بر اساس ترجیح انسان‌ها و انگاشت‌های بیرون (منظر) تفاوت قابل می‌شود.
۴- سکوت در مورد فاکتورهای مسبب.	۴- در جستجوی فاکتورهای مسبب است.
۵- تجربی است: کاربرد یک رویکرد.	۵- آزمایشگاهی است، تست فرضیه و گسترش رویکرد
۶- محدود به یک سایت و محدوده خاص است نتایج قابل تعمیم نیست.	۶- مخصوص یک ناحیه خاص نبوده و در جستجوی نتایج برای گستره وسیع‌تری است.
۷- ارزیابی‌ها زمینه محور هستند.	۷- اغلب از جانشین جهت ارزیابی استفاده می‌کند (مانند عکس).
۸- نسبتاً آسان، ساده و سریع برای فهم هستند.	۸- برای درک شکل پیچیده و آهسته است.
۹- از پاسخگو جهت ارزیابی استفاده نمی‌کند بنابراین نمی‌تواند به اختلافات در ترجیح‌ها و پسند دست پیدا کند.	۹- تأثیرات بر ترجیح‌ها پاسخگوها را بر اساس شخصیت‌ها (سن، جنس، تحصیلات، اقتصاد، فرهنگ) معلوم می‌کند.
۱۰- غیر قابل تکرار است، با افراد متفاوت نتایج متفاوت دارد.	۱۰- قابل تکرار: تهیه و تدارک نمونه کافی است، ترجیح‌ها که تعیین می‌شوند باید در مطالعات مختلف ثابت باشند.
۱۱- ذهنی بودن و غیر قابل تکرار بودن نتایج ممکن است زیر سؤال رود و کاربرد کوتاه مدتی داشته باشد.	۱۱- عینی بودن و قابل تکرار بودن، نتایج دانش را گسترش می‌دهد و نسبتاً برای یک جامعه دایمی است.
۱۲- در پیش بینی کارایی ندارد (به جز حالات عمومی).	۱۲- توانایی پیش بینی تأثیر تغییرات مناظر بر کیفیت آن.

کیفیت بصری از تعامل بین مشخصه‌های فیزیکی و فرآیندهای قضاوتی - ادراکی مشاهده‌گر انسانی از شهر حاصل می‌شود. البته نزدیک به قرن بیستم، ارزیابی کیفیت منظر به سمت پیوند متزلزلی تکامل یافت که از آن طریق هر دو رویکرد تخصصی و ادراکی به موازات هم به کار می‌روند و سپس، به روشی نامعین، با فرآیند تصمیم‌گیری نهایی در حوزه مدیریت محیطی ادغام می‌شوند. در شیوه کارشناسانه، تصمیم‌گیرنده اصلی همان طراح به عنوان مرجع تشخیص زیبایی است و طراح براساس معیارهای ذهنی خود می‌تواند تصمیمات مربوط به یک طرح را اتخاذ کند. شیوه‌های مردم‌محور به مراتب از شیوه‌های کارشناسانه می‌تواند موفق‌تر باشد.

اما با توجه به سختی، این شیوه بیشتر در امور پژوهشی استفاده می‌شود و نتایج حاصل از آن در طراحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. چراکه می‌تواند به صورت مستقیم استفاده شود. استفاده از شبیه‌سازی و نظرخواهی از مردم می‌تواند این شیوه را به صورت مستقیم در امور طراحی محیط دخیل کند.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در چهار رویکرد عمده مطرح شده در زیبایی‌شناسی شهری، مشخص شد که رویکردهای ذهنی و مردم‌محور از یک سو و رویکردهای عینی و کارشناس‌محور از سوی دیگر دارای ریشه‌های مشترکی هستند.

از این رو می‌توان رویکردهای عینی در زیبایی‌شناسی را در مباحث شهری به رویکردهای کارشناس‌محور و رویکردهای ذهنی را به رویکرد مردم‌محور تعبیر کرد. در ادامه به بررسی رویکردها و روش‌های زیبایی‌شناسی شهری بر اساس دو رویکرد کارشناس‌محور و مردم‌محور پرداخته می‌شود.

رویکردها و روش‌های کلی ارزیابی زیبایی در شهر

همان‌طور که در پایان بخش پیشین اشاره شد، در این بخش رویکردهای اصلی در ارزیابی زیبایی شامل کارشناس‌محور و مردم‌محور شرح داده می‌شود. این رویکردها خود دارای روش‌هایی هستند که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم.

• رویکرد کارشناس‌محور

رویکرد کارشناس‌محور به شدت به سمت عینی فلسفه زیباشناسی متمایل است. به واسطه این رویکرد، کارشناسان تعلیم‌دیده‌ای به طور نظام‌مند شهر را واری می‌کنند و آن را با توجه به ترکیبی از پارامترهای انتزاعی طراحی که مرتبط با زیباشناسی شهر به نظر می‌رسد ارزشیابی می‌کنند. البته ارزیابی‌های تخصصی براساس این رویکرد به خاطر عدم اعتمادپذیری و اعتبار مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (Daniel & Vining, 1983).

مادامی که رویکرد کارشناس‌محور قادر نباشد معیارهای اعتمادپذیری را در سیستم‌های ارزیابی محقق‌سازد، اعتبار این رویکردها همچنان مسئله‌ساز باقی خواهد ماند (Daniel, 2001).

مؤثر در کیفیت مناظر مطرح شده است. جدول ۲ مقایسه این دو رویکرد است براساس تحقیقات جامعی که «لوتیان» انجام داده است.

البته باید توجه کرد که بررسی کالبدی، بدون توجه به مخاطب چیزهایی را فارغ از ادراک مردم و زمینه تاریخی آنها در منظر شهری و کالبد آن معرفی می‌کند که بر این اساس در نهایت مدیریت شهر چیزهایی را حفاظت خواهد کرد که نه به چشم مردم، بلکه به چشم کارشناسان زیبا آمده است. در حالی که اگر زیبایی نزد مخاطبان بررسی شود، نمادهای آن پیدا می‌شود و می‌توان آن نمادهایی را که برای ساکنان حامل معنا هستند را حفاظت و مدیریت کرد.

از سوی دیگر، نگاه روان‌شناسانه به زیبایی منظر شهری می‌تواند عوامل مسبب در زیبایی‌شناسی را نمایان کرده و قابلیت تصمیم در جامعه را نیز داشته باشد. همچنین جهت پیشگویی از آن می‌توان بهره برد که این عامل در امور مربوط به طراحی می‌تواند بسیار حایز اهمیت باشد زیرا در امور طراحی پیش‌بینی تأثیر آنچه در حال طراحی است می‌تواند به طراحان کمک زیادی کند.

زیبایی‌شناسی کارشناس‌محور در برابر زیبایی‌شناسی مردم‌محور

تاریخ بررسی زیبایی‌شناسی، حکایت از جدل میان شیوه‌های مبتنی بر کارشناس^۵ و مبتنی بر مردم^۶ دارد (Arthur, et al. 1977; Daniel & Vining, 1983). شیوه‌های مبتنی بر نظر کارشناسان یا طراحان در میان شیوه‌های مدیریتی محیط رواج دارد و شیوه‌های مبتنی بر مردم در تحقیقات. شیوه کارشناسان در واقع ترجمه ویژگی‌های فیزیکی مناظر شهری به پارامترهای رسمی طراحی (فرم، خط، وحدت، و...) است (Daniel & Terry, 2001).

دانیل (Daniel, 2001) نیز در ارتباط با زیبایی‌شناسی کارشناسانه در برابر مردم‌محور معتقد است که رویکرد کارشناسانه مشخصه‌های فیزیکی مناظر شهری را به پارامترهای رسمی طراحی (مثلاً شکل، خط، تنوع، یکپارچگی) مبدل می‌سازد که بر فرض شکل‌گیری شاخص‌های عمومی کیفیت مناظر شهری (به طور ضمنی) از مدل‌های کلاسیک ادراک انسان و قضاوت زیباشناختی استوار است. رویکردهای ادراک‌محور، مشخصه‌های فیزیکی مناظر شهری را به عنوان محرک‌هایی تصور می‌کند که واکنش‌های روان‌شناختی مرتبط به لحاظ زیباشناختی را از طریق فرآیندهای حسی - ادراکی نسبتاً مستقیم و یا از طریق مداخله در ساختارهای شناختی (مثلاً، واضح بودن، اسرارآمیز بودن و ...) برمی‌انگیزاند.

همچنین وی اعتقاد دارد که رویکرد تخصصی برای مدیریت محیطی مناسب است و رویکرد مردم‌محور در حوزه پژوهش دارای کاربرد است. هر دو رویکرد به طور کلی باور دارند که

• رویکرد مردم محور

روش‌های مردم محور آشکارا از مسلک فلسفی ذهنی برگرفته می‌شوند. ارزیابی‌های مردم محور از اعتمادپذیری بالایی برخوردارند. اعتمادپذیری درونی معیارهای کیفیت زیباشناختی در گروه‌های کوچک تا متوسطی از مشاهده‌گران و قضاوت‌کنندگان (۳۰ - ۵ نفر) بسیار بالا بوده است (Hull & Stewart, 1992; Palmer, 1997). البته اثبات اعتبار ارزیابی‌های مردم محور کیفیت زیباشناختی به واسطه فقدان اجماع نظر در مورد آن، محدودیت دارد. در این رویکرد، اغلب موارد، وقتی کیفیت زیباشناختی بصری مناظر ارزیابی می‌شوند، ارزیابی‌های مبتنی بر تصاویر رنگی با ارزیابی‌های مبتنی بر تجربه مستقیم مناظر مطابقت دارند (Hull & Stewart, 1992; Stamps, 1990).

اخیراً تصویرسازی‌های کامپیوتری که در آن تصویرسازی‌هایی با کیفیت بالا کاملاً با نمایش تصویری و به طور ضمنی با مشاهده مستقیم مناظر متناظر هستند، موجب شده است مشکلات این رویکرد نسبت به گذشته کمتر شود (Daniel, 2001).

رویکرد مردم محور دارای روش‌هایی است که همگی آنها بر روش اولویت عمومی^۷ استوار هستند. در ادامه به چند روش شاخص در این رابطه اشاره می‌شود:

- روش‌های غیر کمی

معمول‌ترین روش غیر کمی، پرسشنامه یا نظرسنجی کلامی است. پژوهشگران سوالاتی را که تمایل دارند بپرسند، در شکل باز یا سازماندهی شده تدوین و در بین گروه مرتبطی از پاسخ‌دهندگان توزیع می‌کنند. این روش مستقیم است و به زمان و تجهیزات نسبتاً اندکی نیاز دارد. پرسشنامه‌های باز این مزیت را دارند که امکان بیان عقاید و اختلافات جزئی را فراهم می‌آورند که ممکن است پژوهشگر نادیده گرفته باشد.

- روش‌های کمی

یکی از انتقادات در مورد نظرسنجی‌های کلامی، به ویژه پرسشنامه‌های باز این است که آنها نمی‌توانند نتایج کمی فراهم آورند. بنابراین، تلاش‌هایی صورت پذیرفته است تا ارتباطات کلامی به واسطه کدگذاری تعداد وقوع عقاید مشابه اندازه‌گیری یا به طور عینی تحلیل شوند.

البته موفقیت چنان «تحلیل‌های محتوایی»^۸ بر قابل اعتماد بودن داده‌هایی که بر آنها مبتنی هستند و تفاسیر ذهنی مفسران وابسته است (Arthur, et al. 1977). از سایر روش‌های کمی می‌توان به روش افتراق معنایی و لیست‌های توصیفی و موارد منحصر به فردی اشاره کرد که در تحقیقات مختلف از آنها استفاده شده است، همچون اندازه‌گشادشدن مردمک چشم یا نقاط تثبیت حرکت چشم که به نظر می‌آید شاخص لذت باشند.

بر اساس رویکرد کارشناس محور می‌توان روش‌هایی را تعریف کرد که در ادامه به شرح آنها پرداخته می‌شود.

- روش فهرست‌های توصیفی

فهرست‌های توصیفی بزرگ‌ترین دسته فنون را در مورد ارزیابی مناظر شهری دربردارند. آنها روش‌های کمی و غیر کمی ارزشیابی مناظر را از طریق تحلیل و توصیف اجزای آنها شامل می‌شوند. عناصر صحنه‌ای شامل الگوهای ساخت و ساز و ... ابتدا تشخیص داده می‌شوند، سپس توصیف شده و یا درجه‌بندی می‌شوند. طراحان حرفه‌ای، مناظر را برحسب اجزای طراحی همچون یکپارچگی، سلطه، رنگ، تضاد و عمق عرصه توصیف می‌کنند. به طور کلی، در این روش تخصیص اعداد و ارقام به اجزا مناظر انجام نمی‌پذیرد بلکه آنها مقایسه یا گردآوری شده و سپس ارایه خلاصه نتایج توسط متخصصان انجام می‌پذیرد. (Arthur et al., 1977).

- روش فهرست‌های غیر کمی

اغلب روش‌های فهرستی، مناظر را به واسطه توصیف عناصر صحنه‌ای به صورت کلامی و یا گرافیکی تحلیل و ارزشیابی می‌کنند. در حالی که توصیفات طراحان مناظر به طور کلی جامع، روشن‌گر و حساس نسبت به مسایل ویژه هریک از مناظر هستند. تکیه آنها بر اصطلاحاتی همچون «ترکیب‌بندی»، «بافت»، و «تنوع» می‌تواند به معیارهایی منتهی شود که کاربرد آنها برای سایرین دشوار است. اما واژه‌ها آنقدر دقیق نیستند که برای افرادی به غیر از طراحان بسیار مفید باشند. روابط چنان واژه‌هایی با زیبایی صحنه‌ای ادراک شده به ندرت به طور تجربی اثبات می‌شود و اغلب قضاوت‌های حرفه‌ای تنها گواه این امر هستند که واژه‌هایی همچون هماهنگی، تنوع و تضاد، زیبایی صحنه‌ای را افزایش می‌دهند.

- روش فهرست‌های کمی

شاخص‌های کمی زیبایی صحنه‌ای به چند دلیل مفید هستند. اگر زیبایی صحنه‌ای اندازه‌گیری شود، می‌تواند راحت‌تر در برنامه‌ریزی شهری گنجانده شود. مزیت دیگر مقادیر صحنه‌ای اندازه‌گیری شده این است که می‌توان به واسطه وزن‌های رقمی بر سهم نسبی عوامل متنوع منظر در زیبایی صحنه‌ای پی برد. به طور مثال بلندمرتبه‌سازی، ویژگی‌های مثبت و منفی دارد، اما بدون سنجش نسبی آن ویژگی‌ها، نمی‌توان تعیین کرد که کدام تدبیر رضایت‌بخش‌ترین نتایج را فراهم خواهد آورد.

به این ترتیب در مدل‌های کمی، کیفیت نسبی عوامل صحنه‌ای می‌تواند درجه‌بندی و اهمیت آنها وزن‌دهی و نمرات وزن‌دار گردآوری شود تا نتایج زیباشناختی در گزینه‌های مدیریتی مقایسه شود.

«اکبر» و همکارانش دوروش کلی برای ارزیابی زیبایی صحنه‌ای ارایه می‌دهند که عبارت است از (Akbar, Hale & Headley, 2003):

- ارزیابی‌های شبیه‌سازی شده^{۱۰}
 - مطالعات پرسشنامه‌ای
- در شبیه‌سازی، ابتدا گروهی از مشاهده‌گران تصاویر، اسلایدها، یا فیلم‌های کوتاه از مناظر شهری را ارزیابی کرده و عقاید خود را بیان می‌کنند سپس این عقاید دسته‌بندی می‌شوند. در این روش امکان ضعف در عکس‌برداری‌ها، روش‌های انتخاب و ارایه آنها وجود دارد. انتخاب مشاهده‌گران نیز مشکل است زیرا پیش‌زمینه‌های حرفه‌ای و اجتماعی آنها می‌تواند بر قضاوت‌هایشان تأثیر گذارد (Ibid).

در رابطه با ارزیابی‌های شبیه‌سازی شده اعتقاد بر این است که پیشرفت‌های فنی جدید، همچون سیستم‌های GIS و روش‌های پیشرفته مدل‌سازی محیطی تا حدود زیادی قابلیت‌های زیبایی‌شناسی شهری را بهبود بخشیده است. تصویرسازی محیطی کارآمد و مقرون به صرفه از طریق کامپیوتر تا حدود زیادی ابزارهای موجود برای نمایش بصری مناظر پیچیده به مشاهده‌گران را بهبود می‌بخشد. ولی هنوز دقیقاً مشخص نیست که چگونه این مشخصه‌ها باید به مشاهده‌گران ارایه شوند تا ارزیابی‌های معتبر در مورد زیبایی مناظر شهری انجام شود.

مطالعات پرسشنامه‌ای به طور گسترده به عنوان ابزاری برای بررسی نگرش‌ها و اولویت‌های مردم به کار می‌رود. پرسشنامه این مزیت را دارد که در دوره زمانی کوتاه می‌توان به گروهی از افراد نماینده مردم دست یافت. بدین ترتیب فرصتی را برای ارزیابی نگرش افراد با پیش‌زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی متفاوت فراهم می‌آورد.

در ارزیابی کیفیت زیبایی مناظر، «آریازا» و همکارانش معتقدند که مناظر زیبایی ذاتی یا عینی دارند، اگرچه پاسخ مشاهده‌گر ذهنی است. آنها بر اساس نظرات «بریگر» و «فرانس» (۱۹۸۰) اعتقاد دارند که دو روش اصلی در مورد ارزشیابی زیبایی وجود دارد (Arriaza, et al. 2004):

- روش‌های مستقیم^{۱۱} اولویت‌های صحنه‌ای مردم را در مورد مناظر مقایسه می‌کنند تا اجماع نظر حاصل شود.
- با این روش آریازا و همکاران (۲۰۰۴) تلاش داشته‌اند اولویت‌های صحنه‌ای مشاهده‌گران را ارزیابی کنند. آنها برای این کار از تصاویر مناظر استفاده کرده‌اند. این رویکرد بر این فرض مبتنی بود که قضاوت‌های زیباشناختی از تصاویر معیار مناسبی را برای زیبایی مناظر واقعی فراهم می‌آورند (Daniel & Vining, 1983).

- روش‌های غیر مستقیم^{۱۲}، مناظر را بر مبنای وجود و یا شدت مشخصه‌های تعیین‌شده ارزشیابی می‌کنند (Fines, 1968). این روش‌ها اجزای مناظر را گرد هم آورده تا ارزش کلی را به دست

— روش مؤلفه‌ای^۹ زیرمقوله‌ای از روش‌های کمی کل‌نگر است که دو روش را ترکیب می‌کند: نظرسنجی‌های کمی اولویت عمومی و فهرست‌های مشخصه‌ای مناظر. پژوهشگران در مورد کل مناظر درجه‌بندی‌های زیباشناختی را جمع می‌کنند تا اجزای صحنه‌ای برجسته شهر را تشخیص دهند. چون درجه‌بندی‌های مؤلفه‌ای با درجه‌بندی‌های اولویت عمومی در این مدل‌ها مقایسه می‌شوند، سهم اجزای ویژه در زیبایی صحنه‌ای می‌تواند بر حسب واریانس تبیین و اندازه‌گیری شود. نمونه‌ای از مطالعات انجام‌پذیرفته برای تبیین اولویت‌ها از طریق عناصر منظر توسط «شافر» و همکارانش (Shafer, et al., 1969) انجام شده است. آنها مساحت، محیط، و فضاهای مناطق متمایز تصاویر را اندازه‌گیری و این اندازه‌گیری‌ها را با رتبه‌بندی اولیوی شهروندان مقایسه کرده‌اند.

فنون ارزیابی زیبایی

یکی از افرادی که نظرات تأثیرگذاری در حوزه زیبایی‌شناسی دارد «گوستاو فخر» است که سه روش برای دستیابی به زیبایی پیشنهاد می‌کند که روش‌های پایه‌ای در زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند (مولوی، ۱۳۸۴):

۱. روش انتخاب: از افراد خواسته می‌شود که پسند یا علاقه خود نسبت به اشیاء را با انتخاب یکی بر دیگری (روش مقایسه جفتی) یا توسط یک معیار درجه‌بندی‌شده در مورد شیء منفرد نشان دهند.

۲. روش تولید: از افراد خواسته می‌شود که شیء با حداکثر زیبایی و مطلوبیت را به وجود آورند. این روش مناسب هنرمندان تعلیم‌دیده است.

۳. روش استفاده: شامل آزمایش روزمره با این باور است که تناسبات و رنگ‌های زیبا و... باید بیشترین استفاده را داشته باشد. روش‌هایی که «فخر» پیشنهاد می‌کند در حال حاضر نیز به عنوان روش‌های پایه کاربرد دارند. به خصوص روش اول و سوم در تکنیک‌های مدرن امروزی نیز به عنوان شیوه‌های اصلی حایز اهمیت هستند. روش اول پایه روش‌های ارزیابی ذهنی است که جهت بررسی معیارهای مورد پسند مردم به کار می‌رود و روش سوم روشی عینی در بررسی زیبایی‌شناسی است به این طریق که کارشناسان با این روش می‌توانند براساس میزان تکرار به بررسی فرمال و صوری عناصر برای دستیابی به اصول زیبایی‌شناسانه بپردازند.

«لوری» (۱۹۷۵) برای ارزیابی زیبایی مناظر معتقد است که ارزشیابی مناظر می‌تواند به عنوان "روابط قیاسی بین دو یا چند منظر از نظر ارزیابی کیفیت بصری" تعریف شود (Arriaza, et al. 2004). در واقع روشی که او به آن اشاره می‌کند برگرفته از «روش انتخاب» فخر است.

و غیر مستقیم است.

«شافر» و همکارانش، ترکیب روش‌های توصیفی^{۱۵} و مدل‌های اولویتی^{۱۶}، یعنی مدل‌های کل‌نگر^{۱۷} همچون مدل‌های روانی - فیزیکی^{۱۸} و مدل‌های اجزاء جانشین را مطرح کردند (Shafer et al., 1969). در سال‌های اخیر از این رویکرد به دلیل استفاده از فنون آماری برای تعیین روابط موجود بین اجزای مناظر و اولویت‌های صحنه‌ای استقبال شده است.

آورند. در این روش اعتقاد بر این است که کیفیت صحنه‌ای کل، مجموعه‌ای از اجزای آن است. البته برخی محققان از این رویکرد به خاطر گرایش به نظریات شخصی در ارزش‌گذاری اجزای مناظر انتقاد کرده‌اند. علاوه بر این، این روش تأثیرات تعاملی هریک از اجزا را شامل نمی‌شود (Dunn, 1976). «آرتور» و همکارانش (۱۹۷۷) اصطلاحات مدل‌های اولویت عمومی^{۱۳} و روش‌های فهرست‌های توصیفی^{۱۴} را به کار بستند. این طبقه‌بندی‌ها به ترتیب مشابه طبقه‌بندی روش‌های مستقیم

نتیجه‌گیری

همان‌طوری که براساس مطالعات انجام شده در این نوشتار مشخص شد، زیبایی‌شناسی در دو بعد عینی و ذهنی قابل بررسی است. در رابطه با زیبایی‌شناسی شهری نیز رویکردهای متفاوتی معرفی شد که شاخص‌ترین آنها چهار رویکرد کالبدی، روان‌شناسانه، کارشناس محور و مردم‌محور است. اینکه بر اساس چه رویکردی باید زیبایی‌شناسی شهری انجام شود، پرسشی است که شرایط مدیریتی یک شهر پاسخ آن را تعیین می‌کند. البته مشخص است که زیبایی‌شناسی بر اساس نظر مردم بهتر است. اما نکته حایز اهمیت اینجاست که انجام پژوهش براساس نظر مردم نیاز به جمع‌بندی توسط کارشناسان و متخصصین و ارایه در قالب پیشنهادات کالبدی و فضایی دارد. از این رو لازم است از رویکردهای متفاوت زیبایی‌شناسی در مواقع مناسب استفاده شود. نکته مهم دیگر در این رابطه، بحث زمان در دستیابی به نتایج یک رویکرد زیبایی‌شناسی است. در رویکردهای مردم‌محور و روان‌شناسانه، انجام پژوهش‌ها زمان‌بر است. این در حالی است که در رویکردهای کارشناس محور و کالبدی انجام پژوهش‌ها در زمان کمتر (و البته با دقت کمتر) قابل انجام است. براساس ویژگی‌های رویکردهای متفاوت زیبایی‌شناسی شهری می‌توان آنها را براساس یک سلسله‌مراتب منطقی در زیبایی‌شناسی بکار برد. به این ترتیب که رویکردهای مردم‌محور و روان‌شناسانه می‌توانند به عنوان بستر اصلی زیبایی‌شناسی تلقی شوند و رویکردهای کالبدی و کارشناس محور به عنوان رویکردهای مکمل و وابسته مورد استفاده قرار گیرند. به این ترتیب این رویکردها نه در تقابل با یکدیگر بلکه در تکامل یکدیگر می‌توانند نقش داشته باشند.

در رابطه با روش‌های زیبایی‌شناسی نیز می‌توان اذعان داشت که در زمان‌های دورتر، روش‌های مستقیم (نظر مردم) و غیر مستقیم (تحلیل شدت تکرار اجزاء در مناظر شهری) به عنوان شیوه‌های اصلی زیبایی‌شناسی مطرح بوده‌اند. اما امروزه به دلیل پیشرفت فنون تصویرسازی و آماری دیگر لازم نیست این دو روش از هم مجزا باشند. بلکه به نظر می‌رسد که این دو روش در ترکیب با یکدیگر می‌توانند نتایج بهتری را ارایه کنند. از این رو پیشنهاد این تحقیق ترکیب دو روش فوق و ایجاد روش ترکیبی است که بتواند پلی را میان نظرات مردم به عنوان صاحبان اصلی شهر و طراحان به عنوان تصمیم‌گیرندگان شکل‌گیری شهر ایجاد کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. physical aesthetic
۲. Psychological aesthetic
۳. expert aesthetic
۴. public preferences
۵. expert
۶. البته لازم به ذکر است که ادراک مردم که مبتنی بر خاطره باشد، با سلیقه عامیانه که زیبایی‌شناسی عینی است تفاوت دارد. یعنی برای مردم عامی هر دو نوع زیبایی قابل تشخیص است.
۷. Public preference
۸. content analyses
۹. Component models
۱۰. Simulated assessments
۱۱. Direct methods
۱۲. Indirect methods
۱۳. public preference
۱۴. descriptive inventories
۱۵. descriptive methods
۱۶. preference models
۱۷. holistic models
۱۸. Psychophysical

فهرست منابع

- شلی، جیمز. ۱۳۸۵. تجربه‌گرایی: هاجیسون و هیوم. چاپ دوم. دانشنامه زیبایی‌شناسی. ویراستار: مشیت‌علایی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- کلی، مایکل. ۱۳۸۳. دایره‌المعارف زیبایی‌شناسی. چاپ دوم. ویراستار: مشیت‌علایی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
- کالینسن، دایانه. ۱۳۸۸. تجربه زیباشناختی. چاپ دوم. ت: فریده فرنودفر. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- لنگ، جان. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. چاپ اول. ت: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مارگولیس، جوزف. ۱۳۸۵. زیبایی‌شناسی در قرون وسطی. چاپ دوم. دانشنامه زیبایی‌شناسی. ویراستار: مشیت‌علایی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- مولوی، مهرناز. ۱۳۸۴. تحلیل فرمال فضای شهری و پایه‌های فلسفی آن. نشریه هنرهای زیبا، (۲۱): ۲۷-۳۴.

Reference List

- Akbar, K. F., Hale, W. H. G. & Headley, A. D. (2003). Assessment of scenic beauty of the roadside vegetation in northern England, *Landscape and Urban Planning*, 63(3): 139-144.
- Arriaza, M., et al. (2004). Assessing the visual quality of rural landscapes, *Landscape and Urban Planning*, 69(1): 115-125.
- Arthur, L.M., Daniel, T.C. & Boster, R.S. (1977). Landscape assessment: a critical review of research and methods. *Landscape Manage.* (4): 109–129.
- Briggs, D.J. & France, J. (1980). Landscape evaluation: a comparative study, *J. Environ. Manage.* (10): 263–275.
- Chen, B., Ochieng , A. A. & Bao, z. (2009). Assessment of aesthetic quality and multiple functions of urban green space from the users' perspective: The case of Hangzhou Flower Garden, China. *Landscape and Urban Planning*, 93 (1): 76-82.
- Daniel, T. C. (2001). Whither scenic beauty? Visual landscape quality assessment in the 21st century. *Landscape and Urban Planning*, 54(1-4): 267-281.
- Daniel, T.C. & Vining, J. (1983). *Methodological issues in the assessment of landscape quality*. In: Altman, I., Wohlwill, J. (Eds.), *Human Behavior and Environment*, Vol. 6. (39–84). New York: Plenum Press.
- Dunn, M.C. (1976). Landscape with photographs: testing the preference approach to landscape evaluation, *J. Environ. Manage.* (4): 15–26.
- Fines, K.D. (1968). Landscape evaluation: a research project in East Sussex, *Reg. Stud.* (2): 41–55.
- Hanfling, O. (2005). *Philosophical aesthetics: an introduction*. Malden, MA, Wiley-Blackwell.
- Hull, R.B. & Stewart, W.P. (1992). Validity of photo-based scenic beauty judgments. *J. Environ. Psychol.* (12): 101–114.
- Junker, B. & Matthias, B. (2008). Aesthetic preferences versus ecological objectives in river restorations. *Landscape and Urban Planning*, 85(3-4): 141-154.
- Kelly, M. (1998). *Encyclopedia of aesthetics*. New York: Oxford University Press.
- Lang, J. T. (1987). *Creating architectural theory: the role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
- Lothian, A. (1999). Landscape and the philosophy of aesthetics: is landscape quality inherent in the landscape or in the eye of the beholder?. *Landscape and Urban Planning*, 44(4): 177-198.
- Margolis, J. (2005). *Medieval aesthetics*. In *The Routledge companion to aesthetic*. Edited by Gaut, B. N., & Lopes, D. London: Routledge.
- Molavi, M. (2005). *tahlil-e formal-e fazay-e shahri va payehay-e falsafi-e an* [Formal analysis of urban space and its philosophical foundations]. *Honar-ha-ye ziba*, (21): 27-34.
- Nohl , W. (2001). Sustainable landscape use and aesthetic perception—preliminary reflections on future landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 54(1-4): 223-237.
- Palmer, J.F. (1997). Stability of landscape perceptions in the face of landscape change. *Landscape Urban Planning* 37(1): 109–113.
- Shafer, E.L., Hamilton, J.F. & Schmidt E.A. (1969). Natural landscape preferences: a predictive model, *J. Leisure Res.* (1): 1–19.
- Shelly, J. (2005). *Empiricism: Hutcheson and Hume*. In *The Routledge companion to aesthetic*. Edited by Gaut, B. N., & Lopes, D. London: Routledge.
- Stamps, A.E. (1990). Use of photographs to simulate environments: A meta-analysis. *Perceptual Motor Skills*, (71): 907–913.

Approaches and Methods in Urban Aesthetics

Mehrdad Karimi Moshaver*

Abstract

The main purpose of this study is to introduce the different approaches and methods of urban aesthetics. The research method is comparative-analytical.

This study indicates that there are four main approaches in urban aesthetics: the physical approach, the psychological approach, the expert approach and the public preference approach. The study introduces the techniques of each approach as well. The physical and expert approaches are similar in nature and are widely used in urban management methods. These two approaches can be used to convert the physical properties of urban landscapes to design parameters.

The psychological and public preference approaches are also similar in nature and are widely used in substructure studies. The two can be used to understand the public's perception of urban aesthetics and use the results to make decisions in planning urban design projects. The evaluation methods of these four approaches were analyzed in two groups of expert preference (including descriptive, non-quantitative and quantitative lists) and public preference (including non-quantitative and quantitative lists and the index method). The evaluation techniques and tools have also been introduced for each evaluation method in this paper and thoroughly categorized. These techniques include direct and indirect ones appropriate for the four approaches in urban aesthetics.

In general, the paper defines the framework of possible future studies in the field of urban aesthetics and helps researchers choose the most appropriate approach in their studies.

The aim of this paper is to introduce the different approaches and methods in urban aesthetics. The research method is analytical and comparative. It analyzes and compares different opinions in the field of urban aesthetics and its different techniques.

Based on the conducted studies, four main approaches can be introduced in urban aesthetics: the physical approach, the psychological approach, the expert approach, and the public preference approach. This paper has carefully considered the methods for these approaches as well.

The findings of the study showed that the public preferences and psychological approaches must be used as the main substructure approaches in urban aesthetics and the physical and expert approaches as complementary approaches.

Keywords

Urban aesthetics, Physical approach, Psychological approach, Expert approach, Public preferences approach.

*. Ph. D. in Architecture. Assistant professor in Department of Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
mkmoshaver@yahoo.com.